

The Role of Non-Governmental Actors in the Dispute Settlement Process in the World Trade Organization

1. *Mohammadali Ghohestani*

2. *Armin Amini**

3. *Amir Mahmoudi*

1. PhD student, International Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

2. Associate Professor, Department of International Relations, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

3. Assistant Professor, Department of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Email: arminamini8@gmail.com Received: 25.10.2023 Acceptance: 20.11.2023

*Journal of
Socio-political studies of Iran's
contemporary history*

eISSN: 2821-1294
<http://journalspsich.com>
Vol. 2, No 3, Pp: 233-283
Autumn 2023

Original research article

How to Cite This Article:

Ghohestani, M., Amini, A., & Mahmoudi, A. (2023). The Role of Non-Governmental Actors in the Dispute Settlement Process in the World Trade Organization, *spsich*, 2(3): 233-283.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

Non-governmental international organizations, whose primary function and goal is to serve the public interest, have managed to gain access to international forums to achieve this important objective after overcoming numerous ups and downs. This access has taken the form of a legal institution known as "amicus curiae," where an amicus curiae is a natural or legal person who is not a party to the dispute but submits written or oral statements regarding the facts and rules governing the dispute at their own initiative or at the court's request. A review of judicial practice shows that the major players in this field are international non-governmental organizations, although their participation in the dispute resolution process has faced many obstacles and challenges. This research aims to explain the role of international non-governmental organizations and examine the consequences of their presence, including significant impacts such as combating impunity, achieving judicial transparency, democratizing international law, and ensuring fair trials.

Keywords: International Non-Governmental Organization, Amicus Curiae, Judicial Authorities, Quasi-Judicial Authorities

نقش بازیگران غیردولتی در فرایند فیصله اختلافات در سازمان تجارت جهانی

محمدعلی قوهستانی^۱
آرمین امینی*^۲
امیر محمودی^۳

۱. دانشجوی دکتری، حقوق بین الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
۲. دانشیار گروه روابط بین الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
۳. استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۳ | پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹ | ایمیل نویسنده مسئول: arminamini8@gmail.com

فصلنامه علمی

مطالعات سیاسی-اجتماعی
تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۲۸۲۱-۱۲۹۴
<http://journalspsich.com>
دوره ۲ | شماره ۳ | صص ۲۵۶-۲۳۳
پاییز ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید

درون متن

(قوهستانی و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع

قوهستانی، محمدعلی، امینی، آرمین، و محمودی، امیر. (۱۴۰۲). نقش بازیگران غیردولتی در فرایند فیصله اختلافات در سازمان تجارت جهانی. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، ۲(۳): ۲۵۶-۲۳۳.

چکیده

سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که هدف و محوریت اصلی کارکرد آن‌ها تامین منفعت عام است در همین راستا توانستند پس از فراز و نشیب‌های زیادی که طی کردند، به مراجع بین‌المللی جهت دستیابی به این مهم راه یابند. این راه یابی در قالب نهاد حقوقی تحت عنوان، دوست دادگاه رخ داد که در این مفهوم، یاور دادگاه شخصی حقیقی یا حقوقی است که طرف دعوا محسوب نمی‌شود و به ابتکار خود یا به درخواست دادگاه اظهارات خود را در خصوص وقایع و قواعد حاکم بر دعوی به صورت مکتوب یا شفاهی به دادگاه تقدیم می‌کند. بررسی رویه قضایی نشان می‌دهد بازیگر عمده این عرصه، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی اند که البته مشارکت آن‌ها در فرایند حل و فصل اختلافات با موانع و چالش‌های فراوان همراه بوده است. این پژوهش به دنبال تبیین نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به عنوان و بررسی پیامدهای حاصل از این حضور است، از جمله رهیافت تاثیرگذار این تاسیس، مبارزه با

بی کیفر مانی، دستیابی به شفافیت قضایی، دموکراتیک شدن حقوق بین الملل و تحقق دادرسی عادلانه است.

کلیدواژه‌ها: سازمان بین المللی غیردولتی، یاوران دادگاه، مراجع قضایی، مراجع شبه قضایی

مقدمه و بیان مسئله

سازمان‌های غیردولتی انجمن‌هایی خصوصی، داوطلبانه و غیرانتفاعی، هستند که تا اندازه زیادی محصول سیاست سده بیستم بوده و از دهه ۱۹۷۰ بر تعداد و نفوذ آن‌ها به میزان بارزی افزوده شده است. اهداف و فعالیت‌های گوناگون سازمان‌های غیردولتی طیفی از مسائل کلیدی جهان از جمله امنیت انسانی، موضوعات اقتصادی، حقوق بشر، محیط زیست، توسعه پایدار و... را دربر می‌گیرد. از دهه ۱۹۹۰ سرشت متحول روابط بین الملل و دیدگاه‌های نوین نظری محققان را بر آن داشت تا سازمان‌های غیردولتی را به چشم دیگری یعنی همچون بازیگران بین المللی مستقل بنگرند. این سازمان‌ها خود را به منزله بازیگران پرنفوذی جا انداخته اند که شایسته است در بررسی روابط بین الملل مورد توجه قرار گیرند. سازمان‌های غیردولتی از طریق شبکه‌های هواداری بین المللی دگرگونی سیاسی پدید می‌آورند و به طور کلی‌تر به پویاها و روندهای جامعه مدنی جهانی کمک می‌کنند. افزایش شتابان سازمان‌های غیردولتی که پس از پایان جنگ جهانی دوم به این سو رخ داده است؛ شاید در تاریخ اجتماعی و سیاسی بشریت، حادثه جدیدی باشد. این سازمان‌ها علاوه بر اینکه در حوزه‌های مختلف فعال هستند، دامنه تلاش‌های خود را به طور مرتب گسترش می‌دهند. برخی به لحاظ حمایت از مصرف کنندگان و دستگیری از مستمندان، سازمان یافته اند و برخی گروه علوم اجتماعی، نیز، از حقوق بشر گرفته تا حمایت صلح و امنیت انسانی را، برای خود دغدغه ساخته و در جهت تحقق بخشیدن به این نوع اهداف کوشش می‌نمایند.

سازمان‌های غیردولتی در سه منطقه مختلف چون محلی، ملی و بین المللی عمل می‌کنند. از این گذشته، از آن جا که گسترش روز افزون ارتباطات فاصله‌های زمانی و مکانی را از بین برده و مرزهای فرهنگی دولت-ملت را دچار دگرگونی کرده، بنابراین ملت‌ها به آسانی از، تکوین و پیدایش و همچنین عملکرد آن‌ها در همه جای جهان باخبر می‌شوند و پیرو آن تشویق می‌شوند که در کشور خود نیز به این چنین سازمان دهی‌هایی اقدام کنند.

از جمله مهم‌ترین عوامل در وقوع دگرگونی در روابط بین دولت‌ها، ترس از جنگ است که به صورت هدفی برای همکاری بین المللی به جهت رسیدن به صلح جهانی درآمده است. از مهمترین دلایل شکل گیری سازمان‌های غیردولتی بعد از جنگ جهانی دوم نیز، ایجاد صلح و امنیت بوده است. در این زمینه فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی (اعم از بین المللی و غیربین المللی) برای حل و فصل اختلافات و مناقشات از اهمیتی حیاتی برخوردار است؛ زیرا که اکثر این سازمان‌ها، به عنوان سازمان‌هایی فراملی، توانایی و مشروعیت ایفای نقشی اثرگذار و مورد پذیرش همه را در جامعه جهانی دارا می‌باشند. در ابتدای دهه ۱۹۹۰ اهمیت سازمان‌های غیردولتی برای جهانیان آشکار شد. این سازمان‌ها در کشورهای در حال توسعه به جهت برقراری ارتباط نزدیک برای بهره برداری از

منابع سطح زمین و مهمتر از آن کمک برای تأمین مخارج توسعه (که بسیار ارزان‌تر از کمک‌های دولت‌ها و یا سازمان‌های بین‌المللی است) بنیان گذاشته شدند. این سازمان‌ها نقش مهمی در مشکلات و مسائل بشر دوستانه از طریق مأموریت‌های مداوم در حفظ صلح ایفا می‌کنند. و به طور گسترده در روابط سازمان ملل مورد توجه قرار می‌گیرند و برخی دیگر نیز به دنبال ایجاد روابط دوستانه با اعضای شورای امنیت هستند تا در شرایط لازم فعالیت‌های خود را اجرا کنند. تعداد سازمان‌های غیردولتی و هم‌مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های ملی و بین‌المللی به ویژه بعد از نیمه دوم قرن ۲۰ به صورت گسترده‌ای افزایش داشته است.

بررسی نحوه حل و فصل اختلافات به عنوان یکی از موضوعات بسیار مهم در شناخت و بررسی سازمان‌های بین‌المللی همواره مورد توجه محققان قرار داشته است. رجوع به سازمان‌های بین‌المللی برای حل اختلاف‌های حقوقی مسأله‌ای است که پس از جنگ دوم جهانی مطرح شده و توسعه یافته است. در بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی نوعی تشریفات داخلی حل اختلاف وجود دارد. اختلاف‌هایی که از یک طرف بین کشورهای عضو و از طرف دیگر بین کشورهای عضو و خود سازمان ایجاد می‌شوند، به شرط اینکه اختلاف‌ها، مربوط به مسائل حقوقی اصلی یا ناشی شده نهاد ذی‌نفع باشد. این داخلی سازی حل اختلاف‌ها، جوابگوی دو نگرانی است. از یک طرف، هدف از آن، احتراز از حل اختلاف‌های دوجانبه بین دو دولت عضو است که می‌تواند منجر به راه‌حلی شود که کاملاً مطابق روح و مفاد حقوق نهاد نباشد. در واقع چنین حل اختلافی می‌تواند متأثر از نابرابری‌های ناشی از قدرت طرفین درگیر بوده و بدین ترتیب عادلانه نباشد (پیلتن، ۱۳۹۱: ۳۲). تاسیس سازمان جهانی تجارت در اوایل دهه ۹۰ میلادی و عضویت اکثر کشورهای دنیا در این سازمان از یک سو و گسترش روز افزون تجارت بین اعضای این سازمان از سوی دیگر، و در نتیجه افزایش اختلافات تجاری میان کشورها باعث جلب توجه دست‌اندرکاران و محققان حقوق و تجارت بین‌الملل به موضوع روش‌های حل و فصل اختلافات و سازوکار حقوقی رسیدگی به اختلافات میان اعضا در این سازمان شده است. سابقه حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت به سلف آن، یعنی «گات» برمی‌گردد با این وجود سازوکار فوق در گات خالی از اشکال نبود و با گسترش روز افزون تجارت میان کشورها و افزایش اختلافات میان آن‌ها، بازنگری در این شیوه را ضروری ساخته بود. بر این اساس در نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت سعی شد با نگرش جدید سازوکار دقیق‌تر و کامل‌تری به این منظور پیش‌بینی شود به نحوی که هم‌اکنون نظام حقوقی حاکم بر حل و فصل اختلافات در این سازمان یکی از ویژگی‌ها و امتیازات مهم سازمان فوق محسوب

شده که رجوع روزافزون کشورها به این سازوکار نیز حکایت از این واقعیت و در عین حال اهمیت موضوع و ضرورت توجه و شناخت دقیق آن دارد (پیلتن، ۱۳۹۱: ۳۱).

روش تحقیق

روش تحقیق در این رساله بصورت توصیفی-تحلیلی خواهد بود در توصیف حقوقی و تحلیل محتوا براساس قواعد منطقی پرداخته شده تا نتیجتاً به بهترین نظرها رسیده و ابهامات موجود و جایگاه واقعی موضوع را شناخته و ارائه نماییم.

پیشینه تحقیق

محمود کردی و قدیری نژاد (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «اصول کلی حقوقی، عامل پیوند حقوق تجارت فراملی و حقوق بین‌الملل» انجام دادند. «اصول کلی حقوقی» همواره یکی از منابع مهم حقوق تجارت فراملی به شمار می‌رفته که قلمرو مفهومی آن هم‌گام با توسعه این حقوق بسط یافته است؛ طوری که امروزه متضمن دو قسم اصول، شامل «اصول کلی مشترک» میان نظام‌های حقوقی و «اصول خاص» تجارت بین‌الملل، است. در حقوق بین‌الملل نیز اصول کلی حقوقی به منزله هنجارهای برخاسته از نظام‌های حقوقی ملی، که از طریق مطالعات تطبیقی توسط قضات بین‌المللی به دست آمده و به این عرصه راه یافته، مطابق ماده ۳۸ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری، منبع حقوق بین‌الملل هستند. اصول کلی مشترک به علت «خصلت فراملی» و «ماهیت دووجهی»، که از شخصیت بنیادین آن‌ها نشئت می‌گیرد، امکان حضور در هر نظام حقوقی را دارند، از جمله نظام در حال تکوین حقوق تجارت فراملی، و از طریق دو روش «تطبیقی» و «تدوینی» به این حوزه وارد می‌شوند. به این ترتیب داوران در مقام فیصله اختلافات تجاری فراملی از اصول کلی مشترک به مثابه ماحصل مطالعات قضات بین‌المللی بهره می‌برند. بدین منظور، ضمن تحلیل نظریات حقوق دانان و آرای داوران، ماهیت اصول کلی حقوق تجارت فراملی و نحوه ورود آن‌ها به قلمرو این حقوق بررسی شد و این نتیجه به دست آمد که اصول کلی حقوق تجارت فراملی همان اصول کلی حقوقی مورد پذیرش ملل متمدن به عنوان منبع حقوق بین‌الملل هستند که ورودشان به حقوق تجارت فراملی مدیون و مرهون نقش‌آفرینی بازیگران حقوق بین‌الملل و انتفاع از قالب‌های این نظام حقوقی است.

میرعباسی و محمدی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، به عنوان «دوست دادگاه»، در نظام بین‌المللی حل و فصل اختلافات» انجام داده‌اند. دوست دادگاه شخصی حقیقی یا حقوقی است که طرف دعوی محسوب نمی‌شود و به ابتکار خود یا به درخواست دادگاه اظهارات خود را درخصوص وقایع و قواعد حاکم بر دعوی به صورت مکتوب یا شفاهی به دادگاه تقدیم می‌کند. بررسی رویه قضایی نشان می‌دهد بازیگر عمده این عرصه سازمان‌های بین

المللی غیردولتی اند که البته مشارکت آن‌ها در فرایند حل و فصل اختلافات با موانع و چالش‌های فراوان همراه بوده و است. این مقاله استدلال می‌کند که هرچند از این تاسیس حقوقی در حوزه‌هایی مانند حقوق بشر، تجارت، و داوری‌های سرمایه‌گذاری استقبال شده است و مرجعی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری از پذیرش آن اجتناب کرده اند، به نظر می‌رسد، با توجه به مزیت‌های متصور برای آن، می‌تواند به دادگاه‌ها در ارتقای صحت و کیفیت تصمیمات یاری رساند.

آرزومندی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «سازوکارهای حل و فصل اختلافات در عرصه تجارت الکترونیکی» انجام داده است. شیوه‌های حلوفصل اختلافات در عرصه تجارت الکترونیکی به دو حوزه سازوکارهای دولتی حلوفصل اختلافات در تجارت الکترونیکی و شیوه‌های غیردولتی حل و فصل اختلافات در تجارت الکترونیکی قابل تفکیک می‌باشد. همچنین سازوکارهای جایگزین حل و فصل اختلافات از دیگر شیوه‌های حل و فصل اختلافات است که به تمامی راهکارهای خصوصی مورد استفاده در حل و فصل اختلافات اطلاق می‌شود مثل میانجیگری و سازش، در خصوص سازوکارهای جایگزین حل اختلافات همه چیز به توافق طرفین بستگی دارد و اصل آزادی قراردادی مفاد توافق طرفین را مشخص می‌کند که از حیث تعداد و روش این شیوه‌ها محدودیت پذیر نیستند. آنچه در این مقاله بررسی و ارایه شده، معرفی شیوه‌ها و سازوکارهای حل و فصل اختلافات در تجارت الکترونیکی و فضای مجازی است که ضمن ارایه راهکارها و امکان عملی و اجرایی شدن شیوه‌های منظور نظر به محاسن و مزایا و همچنین معایب این طرق و شیوه‌ها جهت ترمیم نقاط ضعف آن‌ها و روش‌های دولتی و غیردولتی حل و فصل اختلافات جهت تصویب و تدوین قانون‌گذار و بکارگیری آن‌ها در حقوق کشور پرداخته و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

پیشینه سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

برای سازمان‌های غیردولتی نمی‌توان تاریخچه معینی برای شروع شکل‌گیری بیان کرد. با توجه به این تعریف که سازمان غیردولتی، سازمانی است که تحت نظارت دولت قرار ندارند، می‌توان، غالباً تشکل‌های خیریه، امدادسانی، تجاری، بازرگانی، فنی، علمی و غیره را در این مجموعه جای داد. لذا مشخص می‌شود ابتدای این نهادها را باید از همان هنگام که انسان‌ها اهمیت و منفعت کار دسته‌جمعی با هدفی معین و با سوددهی متناسب با اعضا را درک نمودند، (گلستانی، محمود: صص ۴۱-۴۳) که این امر منجر به تشکیل هسته اولین سازمان‌های غیردولتی گردید، جستجو کرد. اگرچه انجمن‌های داوطلبانه شهروندان در سراسر تاریخ وجود داشته‌اند، لیکن سازمان‌های غیردولتی اغلب به همان منوال که امروزه، به ویژه در سطح بین‌الملل دیده می‌شوند، در دو قرن اخیر توسعه یافته

اند. یکی از اولین سازمان‌های این چنینی، صلیب سرخ جهانی است که در سال ۱۸۶۳ تاسیس شد.^۱ عبارت سازمان‌های غیردولتی با تاسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ که مفاد آن در ماده ۷۱ از فصل ۱۰ منشور سازمان ملل آمده است، به وجود آمد. بنابراین، برای اولین بار، سازمان ملل، ساختار، هدف، وظایف و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی را بازگو می‌کند. (UN, 2018)

به دنبال آن فرایند جهانی شدن در قرن بیستم موجب اهمیت یافتن سازمان‌های غیردولتی یا مردم نهاد شد. درست زمانی که دیگر امکان حل خیلی از مشکلات، داخل یک کشور وجود نداشت. معاهدات بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی از قبیل سازمان تجارت جهانی بیش از حد بر منافع موسسات مالی بزرگ متمرکز بودند. در اقدامی برای متعادل کردن این روند، سازمان‌های غیردولتی با تاکید بر مسائل بشردوستانه، کمک به توسعه و توسعه پایدار تاسیس شدند که نمونه بارز آن اجلاس اجتماعی جهان است که هر ساله در ماه ژانویه در داووس برگزار می‌شود و رقیب اجلاس اقتصادی جهان محسوب می‌شود. (Weissbrodt, 1984:32) پنجمین اجلاس اجتماعی جهان در پورتو آلگر برزیل برگزار شد و نمایندگان بیش از ۱۰۰۰ سازمان غیردولتی در آن شرکت کردند. (S. Rudely, 1997: 45).

کورتون در سال ۱۹۹۰ در نوشته‌ای تحت عنوان «سه دوره شکل‌گیری فعالیت‌های داوطلبانه»، به سه مرحله یا دوران تکامل سازمان بین‌المللی غیردولتی اشاره کرده است. (گلشن پژوه، محمودرضا، صص ۱۰۹-۱۱۰)

در مرحله اول، نوع خاصی از سازمان مردم نهاد شکل می‌گیرد که بر امداد رسانی و رفاه متمرکز بود و مستقیماً به افراد ذینفع خدمات امدادی ارائه می‌کرد. توزیع غذا، تأمین پناهگاه و ارائه خدمات بهداشتی نمونه‌هایی از خدمات این قبیل سازمان‌های مردم نهاد بود. در واقع سازمان مردم نهاد در این مرحله نیازهای روز افراد را تشخیص می‌دادند و به برآورده ساختن آن‌ها می‌پرداختند.

در مرحله دوم از تکامل، سازمان‌های مردم نهاد از لحاظ وسعت و اندازه کوچک‌تر شده و به مجموعه‌ای مستقل و خودکفای محلی تبدیل شدند. سازمان‌های مردم نهاد در این مرحله از تکامل، امکانات جوامع محلی را گسترش دادند تا بتوانند با «اقدامات محلی مستقل» نیازهای آن‌ها را برآورده سازند (Otto, 1996:56).

کورتون مرحله سوم از تکامل و شکل‌گیری سازمان‌های مردم نهاد را «توسعه نظام‌های پایدار» می‌خواند. در این مرحله، سازمان‌های مردم نهاد می‌کوشند تغییراتی را در سیاست‌ها و مؤسسات در سطح داخلی، ملی، و بین‌المللی به وجود آورند؛ آن‌ها از نقش سابق خود که تأمین و ارائه خدمات

^۱ - رجوع شود به سند منتشر شده توسط شورای اروپا تحت عنوان

The council of Europe and the NGOs 1995

عملیاتی بود، فاصله گرفته و نقش کاتالیزوری به عهده گرفتند. به تدریج این سازمان از سازمان مردم نهاد امداد رسان به سازمان مردم نهاد توسعه و آبادانی تغییر ماهیت داده اند (Edwards, 2000:11)

مفهوم سازمان‌های غیردولتی

لفظ سازمان غیردولتی متشکل از مفاهیمی است که باتوجه به ساختار، هدف و همچنین این موضوع که سازمان‌های غیردولتی بر اساس حقوق داخلی دولت‌ها بوجود می‌آیند، امکان اجماع نظر پیرامون تعریف واحد را کم رنگ می‌نماید. با این وجود می‌توان با استفاده از برخی منابع، سازمان‌های غیردولتی را تحت ضوابطی تعریف نمود (Edwards, 2000: 13).

شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیر دولتی

علمای حقوق بین‌الملل در مورد شخصیت حقوقی سازمان‌های غیر دولتی اتفاق نظر ندارند. برخی برای این سازمان‌ها در عرصه بین‌الملل شخصیت حقوقی متصور هستند و عده‌ای دیگر مخالف این امر هستند. در این میان برخی از حقوقدانان اعطای شخصیت حقوقی به این سازمان‌ها را منوط به عملکرد آن‌ها می‌نمایند.

اما مهم‌ترین سندی که از سازمان‌های غیر دولتی بحث به میان آورده است، ماده ۷۱ منشور است که، به عنوان اولین سند رسمی بین‌المللی، جایگاه خاصی را برای مشورت با این سازمان‌ها در نظر گرفته و بیان می‌دارد: «شورای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند ترتیبات مناسبی را برای مشورت با سازمان‌های غیر دولتی فراهم نماید».

مفاد این ماده نیز طی قطعنامه ۱۲۹۶ مورخ ۲۳ مه ۱۹۶۸، شورای اقتصادی و اجتماعی به صورت رسمی پذیرفته شده است. به طوری که این شورا با تقسیم بندی سازمان‌های غیر دولتی به سه نوع مقام مشورتی در مواقع لزوم از نظرات مشورتی آن‌ها چه به صورت کتبی یا شفاهی استفاده می‌کند.

ارتباط تام در همه حوزه‌ها

"سازمان‌هایی بود که با اکثر فعالیت‌های شورا مرتبط بوده و رضایت شورا را از طریق کمک‌های برجسته و پایدار خود جهت دستیابی به اهداف سازمان ملل در زمینه‌های مربوطه تأمین می‌کنند، با زندگی اقتصادی و اجتماعی افراد حوزه‌های تحت نمایندگی ارتباط تنگاتنگ داشته، و عضویت در آنها، باید قابل ملاحظه بوده، و نماینده قشرهای عظیمی از مردم در تعداد بسیار زیادی از کشورها باشد."

لذا نوع اول، تنها یکی از دو هدف جایگاه رایزنی را در بر نداشته، بلکه شامل سازمان‌هایی می‌شد که هر دو کارکرد را دارا بودند. نوع اول مستلزم تخصص، نه در حوزه محدودی، بلکه در طیف وسیعی از علایق شورای اقتصادی اجتماعی بود.

ارتباط خاص و ویژه

سازمان‌هایی بود که دارای صلاحیت ویژه و ارتباط خاصی با تنها چند حوزه فعالیت تحت پوشش شورا بوده، و به لحاظ بین‌المللی در زمینه‌هایی که با آن‌ها مشورت و رایزنی می‌شود، شناخته شده اند.^۱ نوع دوم در زمینه هر دو معیار اساسی اهداف جایگاه رایزنی با نوع اول تفاوت دارد؛ یعنی در نوع دوم، سازمان‌ها مستلزم صلاحیت گسترده در زمینه فعالیت شورا یا نمایندگی قشر وسیعی از مردم نیستند. بنابر این نوع سازمان‌ها، نسبتاً مجزا بوده و سازمان‌هایی را شامل می‌شد که دارای تخصص تعریف شده و شناخته شده‌ای در برخی حوزه‌های فعالیت شورای مذکور هستند.

ترکیبی و راستر^۱

سومین نوع سازمان‌های ذکر شده در قطعنامه ۱۲۹۶، راستر نام دارد که نوع ترکیبی دیگری است شامل: " سایر سازمان‌هایی که دارای جایگاه رایزنی عمومی یا ویژه‌ای نبوده، اما شورا، یا دبیرکل سازمان ملل، در مشورت با شورا یا کمیته سازمان‌های غیردولتی، کمک‌های ویژه و سودمند آن‌ها را به کار شورا یا سازمان‌های مکمل یا سایر نهادهای سازمان ملل در حوزه صلاحیتشان، قابل ملاحظه می‌دانند." بنابر این، راستر بر خلاف انواع اول و دوم، مستلزم بازتاب توانایی کمک بلند مدت نمی‌باشد، و شامل آن سازمان‌هایی نیز می‌شد که در رابطه با آژانس یا سازمان دیگری از سازمان ملل دارای جایگاه مشورتی هستند. قطعنامه ۱۲۹۶ همچنین روندهای رایزنی را برای انواع مختلف سازمان‌ها تصریح نمود. تمامی سازمان‌های غیردولتی می‌توانستند نماینده خود را به جلسات شورای اقتصادی اجتماعی بفرستند. انواع اول نیز قادر به ارائه بیانات نوشته شده و توزیع آن میان کشورهای عضو بودند. سازمان‌های نوع اول، همچنین می‌توانستند موارد دستور کار را پیشنهاد نموده، در موارد خاص، مداخلات شفاهی در آن بنمایند.

آنچه موضوع شخصیت حقوق بین‌الملل سازمان‌های غیردولتی را در دهه اخیر پرنگ‌تر کرده است، توجه ویژه جامعه بین‌الملل به نقش و اهمیت جامعه مدنی بوده است. به طوری که برخی قرن بیست و یکم را قرن سازمان‌های غیردولتی نامیده اند.

دلایل توجه روز افزون به سازمان‌های غیردولتی را می‌توان به صورت خلاصه به شرح ذیل بر شمرد:

- گسترش جهانی شدن و حاکمیت قواعد و نظام‌های بین‌المللی، انقلاب ارتباطات و تعامل، شکل‌گیری و...
- سلطه دولت‌ها
- انقلاب ارتباطات و فناوری
- شکل‌گیری و تقویت نظام اقتصاد آزاد
- ناکارآمد شدن ساختار دولت و بنگاه‌های دولتی

ارایه نقش مؤثر از سوی تشکل‌ها در حل و فصل مسائل و مشکلات عمومی و پذیرش این تشکل‌ها به عنوان پل ارتباطی میان دولت و مردم، تخریب محیط زیست و ضرورت توجه به موازین توسعه پایدار همگی از دلایل عمده توجه روزافزون حقوق بین‌الملل به سازمان غیردولتی محسوب می‌گردد.

جایگاه و کارکردهای متنوع سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

پس از بررسی و تشریح تعریف و مفهوم سازمان‌های غیردولتی، به نقش‌ها و کارکردهای مهم این سازمان‌ها در عرصه بین‌الملل می‌رسیم. عمده‌ترین نقش‌های سازمان‌ها عبارتند از جایگاه مشورتی، نقش سازمان‌ها در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی و در وهله آخر نقش سازمان‌ها در اجرا و نظارت بر قواعد بین‌المللی که یاوران دادگاه در زمره همین دسته بندی اخیر قرار می‌گیرند.

جایگاه مشورتی

جایگاه مشورتی مهم‌ترین معیار طبقه‌بندی سازمان‌های غیردولتی است. نقش سازمان‌های غیردولتی از همان روزهای نخستین تدوین منشور و تأسیس سازمان ملل متحد محسوس است؛ به گونه‌ای که برخی از سازمان‌های غیردولتی نقش مهمی در کنفرانس سانفرانسیسکو در تدوین منشور ملل متحد داشتند. سازمان‌های مزبور با مذاکره با دولت‌ها موجب شدند که مقرراتی در زمینه حقوق بشر در منشور گنجانده شود و نیز موفق شدند ارتباط و حضور خود را در ارگان‌های سازمان ملل، رسمیت بخشند

در نتیجه این تلاش‌ها، ماده ۷۱ جایگاه مشورتی برای سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی قایل شد. جایگاه مشورتی در حقیقت نوعی امتیاز مشاوره‌ای است که شورای اقتصادی، اجتماعی سازمان ملل برای سازمان دولتی واجد شرایط قایل می‌شود. با این امکان از یک سو طی قطع‌نامه ۱۲۹۶ مورخ ۲۳ مه ۱۹۶۸، یک سیستم رسمی را برقرار ساخت که به موجب آن سازمان‌های غیردولتی صلاحیت دار، می‌توانند یکی از ۳ نوع حالت مشورتی (مقام مشورتی) را با سازمان ملل داشته باشند و بدین ترتیب انواع سازمان‌های غیردولتی به دسته زیر قابل تقسیم بندی است: (گروه مترجمان: ۱۳۹۳،

ص ۵۲۳) مقام مشورتی عمومی مقام مشورتی ویژه حالت بودن در لیست سازمان ملل که از آن‌ها به روستر تعبیر می‌شود.

«آن دسته از سازمان‌های غیر دولتی که با اکثر فعالیت‌های شورای اقتصادی و اجتماعی و ارگان‌های وابسته به آن مربوط می‌شوند و با زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم منطقه‌ای که نماینده آن هستند، رابطه نزدیک دارند و اعضای آن قابل ملاحظه اند، نماینده بخش وسیعی از جامعه در کشورهای مختلف هستند، به عنوان سازمان‌های دارای مقام مشورتی عمومی شناخته می‌شوند، مانند شورای بین‌المللی زنان پاریس و یا شورای بین‌المللی آموزش بزرگسالان (ژنو- سوییس).

سازمان‌هایی که صلاحیت خاصی فقط در چند زمینه مورد فعالیت شورای اقتصادی و اجتماعی و ارگان‌های وابسته به آن دارند، به عنوان سازمان‌های غیر دولتی با مقام مشورتی ویژه معروف هستند. از نمونه این سازمان‌های غیر دولتی می‌توان به انجمن حقوق دانان آمریکایی، عفو بین‌الملل در لندن و یا سازمان دیده بان حقوق بشر در اشاره کرد. (مهرپور، حسین: ۱۳۹۵، ص ۳۵۷)

دیگر سازمان‌های غیر دولتی که مقام مشورتی عمومی یا ویژه ندارند، اما شورای اقتصادی و اجتماعی یا دبیر کل سازمان ملل با مشورت با کمیته مربوط به سازمان‌های غیر دولتی تشخیص می‌دهند که در فعالیت‌های مربوط به شورای اقتصادی و اجتماعی و ارگان‌های وابسته به آن مشارکت دارند، در فهرست سازمان‌های غیر دولتی قرار می‌گیرند و به همین جهت اصطلاحاً به عنوان روستر معروف هستند. از جمله این سازمان‌ها می‌توان به سازمان‌های حقوقی بین‌المللی برای محیط زیست و توسعه (رم - ایتالیا) و جنبش بین‌المللی علیه تبعیض و نژاد پرستی (توکیو - ژاپن) اشاره کرد. (گلشن پژوه و دیگران، ص ۱۱۷)

مشارکت در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی

سازمان‌های غیردولتی به ویژه سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، در کنار دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی، در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی مشارکتی فعال دارند، به گونه‌ای که در حال حاضر، مشارکت سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی، به یک موضوع حقوق بین‌الملل تبدیل شده است. سازمان‌های غیردولتی عامل حرکت و تشویق دولت‌ها در تمام زمینه‌ها هستند و بیشترین کمک را به تحقق همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌کنند، به گونه‌ای که در برخی موارد بدون این مشارکت، شکل‌گیری یک قاعده یا اجرای قواعد ممکن نبوده است.

از این رو، بررسی وضعیت این مشارکت می‌تواند ضمن تبیین و تجلیل از نقش سازمان‌های غیردولتی، موانع و مشکلات مربوط را نیز روشن سازد. علاوه بر این مشارکت سازمان‌های غیردولتی به دمکراتیک‌سازی روابط بین‌المللی کمک می‌نماید و نه تنها عرصه تصمیم‌سازی و اجرای قواعد

و تصمیم‌ها را در سطح جهانی از قلمرو انحصاری دولت‌ها خارج می‌سازد، بلکه با یک جنبه گرایی برخی قدرت‌های جهانی نیز مقابله نموده، در نتیجه آن به تحقق عدالت در روابط بین‌المللی کمک می‌کند. از این گذشته جامعه جهانی خصوصاً کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته بدین سان فرصتی برای اعلام نظر و حضور موثر در سطح جهانی پیدا خواهند کرد. از جنبه جامعه شناختی، بر نقش افراد، گروه‌ها و عوامل اجتماعی تاثیرگذار در سازمان‌های غیردولتی به جای ساختار رسمی تاکید می‌شود.

بدین جهت، جنبش‌های اجتماعی که موثر در شکل‌گیری و تغییر قدرت هستند برای جامعه شناسان اهمیت دارند. از این جنبه، سعی شده است که نقش عواملی چون افکار عمومی بین‌المللی و تشکیل ائتلاف بین سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی لحاظ شود. اما از جنبه حقوق بین‌الملل، روش کار متفاوت است. در این روش جایگاه حقوقی سازمان‌های غیردولتی در نظم حقوقی بین‌المللی مورد توجه است. از این دیدگاه این موضوع اهمیت دارد که مشارکت سازمان‌های غیردولتی در چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل مطالعه شود به گونه‌ای که اسناد بین‌المللی از جمله معاهدات و نیز ساختارهای مبتنی بر این قواعد مبنای تحلیل و بررسی موضوع باشد. در پرتو این نگاه حقوقی به موضوع است که ما بحث از چارچوب حقوقی مشارکت سازمان‌های غیردولتی را با حضور سازمان‌های غیردولتی در کارهای سازمان ملل متحد بررسی کرده ایم؛ زیرا سازمان‌های بین‌المللی به طور عام و سازمان ملل متحد به طور خاص، مرکزی برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی هستند و ماده ۷۱ منشور ملل متحد، مبنایی حقوقی برای ورود سازمان‌های غیردولتی به سازمان‌های بین‌الدولی و در نتیجه، فراهم شدن زمینه برای مشارکت آنان در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی است.

سازمان‌ها در وضع قواعد بین‌المللی به صورت‌های متفاوت شرکت کرده اند: در ابتدا، به صورت غیر رسمی، برای مثال به وسیله اعمال نفوذ در کنفرانس‌های بین‌الدولی. سپس با شرکت در قانون گذاری ثانوی برای اجرای قواعد وضع شده. نگارنده تلاش دارد که موضوع مطلوبیت این مشارکت و آثار آن رانیز مورد توجه قرار دهد. به علاوه، برخی جنبه‌های منفی و یا دیدگاه‌های انتقادی در خصوص افزایش نقش سازمان‌های غیردولتی در نقش یاوران دادگاه نیز از نظر دور نمانده است. البته نگاه کلی ما بر این است که مشارکت سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی یک پدیده مثبت برای جامعه بین‌المللی است و آن را در مسیر تحقق اهداف حقوق بین

^۱ - برای مطالعه بیشتر در مورد جنبه‌های مختلف مطالعه راجع به جامعه مدنی و روش‌های آن نک به

الملل همچون صلح و امنیت جهانی، رعایت حقوق و آزادی‌های اساسی بشر، همکاری‌های بین المللی در امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی رهنمون می‌دارد.

بند اول: شکل‌گیری قواعد بین‌المللی

به طور اصولی مشارکت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی رسمیت یافته است. سازمان ملل متحد از زمان تاسیس تا کنون، نقش محوری و الگو در زمینه‌های لازم برای این مشارکت را ایفا نموده است. چارچوب حقوقی برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی در کارهای سازمان ملل متحد، در سند موسسان - منشور ملل متحد - در سال ۱۹۴۵ پیش‌بینی شده است. بنابر این سازمان ملل متحد، علاوه بر اینکه از لحاظ تاریخی نقش پیش‌تاز در برقراری روابط با سازمان‌های غیردولتی دارد، الگویی را ایجاد نموده که در سایر سازمان‌های بین‌المللی نیز به کاررفته است.

بند دوم: مشارکت سازمان‌های غیردولتی در سازمان ملل متحد

الف - ارکان اصلی

۱- شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان

سازمان ملل متحد سازمانی بین‌الدولی است که یک نظم بین‌المللی دولت محور را برای جهان ترسیم نموده است. با این وجود، مقرراتی در منشور ملل متحد وجود دارد که زمینه مشارکت سازمان‌های غیردولتی را در مسایل بین‌المللی فراهم می‌نماید. پیش‌بینی ترتیباتی برای همکاری سازمان‌های غیردولتی در ماده ۷۱ منشور ملل متحد، چارچوب حقوقی برای این تعامل و همکاری است، به گونه‌ای که می‌توان گفت: «مبنای نظری رابطه سازمان‌های غیردولتی با سازمان ملل متحد ماده ۷۱ منشور ملل متحد است» (بیگ زاده، ابراهیم: ۱۳۷۶، ص ۴۹). این ماده مقرر می‌دارد «شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد می‌تواند برای مشاوره با سازمان‌های غیردولتی که به امور داخل در صلاحیت شورا اشتغال دارند، هرگونه تدابیر مناسب اتخاذ نماید. این تدابیر ممکن است به سازمان‌های بین‌المللی و در صورت لزوم به سازمان‌های ملی پس از مشورت با عضو ذینفع ملل متحد تعمیم یابد» (بیگ زاده، ابراهیم، ص ۶۷)

ماده ۷۱ منشور، در حد یک عبارت ساده و کوتاه به مشورت با سازمان‌های غیردولتی بسنده نموده است. بدون آنکه ترتیبات مشخصی را برای همکاری و مشارکت سازمان‌های غیردولتی، پیش‌بینی کرده باشد انجام این امر به شورای اقتصادی اجتماعی واگذار شده است. البته در این خصوص نیز، ماده ۷۱ منشور از عبارت می‌تواند استفاده کرده است و عبارت باید را بکار نبرده است. در واقع منشور حق مشارکت را به صراحت برای سازمان‌های غیردولتی مقرر نکرده است و شورای اقتصادی

و اجتماعی را برای وضع مقررات در زمینه مشورت با سازمان‌های غیردولتی مختار گذاشته است. علی‌رغم این بنیان ضعیف ماده ۷۱ منشور، وضعیت در عمل متفاوت است، اکوسوک^۱، هماهنگ با تحولات جهانی، برای فراهم کردن زمینه مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فعالیت‌های سازمان ملل متحد، از طریق تصویب قطعنامه‌ها و دیگر تصمیم‌ها، قدم‌های مهمی برداشته است. به منظور تحقق هدف ماده ۷۱ منشور، در زمینه ارتباط سازمان‌های غیردولتی با شورای اقتصادی و اجتماعی، اولین مقررات در سال ۱۹۵۰ توسط شورای مزبور وضع شد (Economic and social resolution, 2018:99) در این دوره، همکاری بین اکوسوک و سازمان‌های غیردولتی بیشتر در زمینه‌های بشردوستانه و اجتماعی بود.

سیاست کلی کشورهای کمونیستی و جهان سوم، مخالفت با سازمان‌های غیردولتی و رویکرد کشورهای غربی نیز بیشتر در اواخر دهه ۱۹۵۰ مبتنی بر همکاری با این سازمان‌ها بود. اگرچه، مقام مشورتی از چهار سازمان غیردولتی، به دلیل اینکه این سازمان‌ها منتقد سیاست‌های آمریکا و سازمان ملل متحد در کره بودند، در اثر تلاش‌های دولت‌های بریتانیا و ایالات متحده آمریکا، سلب شد. این در حالی است که قطعنامه B(X) اکوسوک، حاکم بر ترتیبات مشورتی در آن زمان، هیچ مقرره‌ای در این خصوص نداشت. از این رو، در دوره جنگ سرد روابط سازمان‌های غیردولتی و ملل متحد تضعیف شد و در پایان دهه ۱۹۶۰ به پایین‌ترین حد خود رسید. (Ibid, 114)

در سال ۱۹۶۸ مسایل و انتقادهای مربوط به نقش سازمان‌های غیردولتی، به بررسی ترتیبات مشورتی منجر شد. در این بررسی، تاثیر دولت‌ها بر فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی، عدم توازن ناشی از امار بالا و حضور برتر سازمان‌های غیردولتی دارای مقام مشورتی از کشورهای غربی، گسترش تعداد سازمان‌های غیردولتی و مسایل دیگری مطرح شد و قطعنامه ۱۲۹۶ اکوسوک، محصول رسمی این بررسی‌ها بود. قطعنامه ۱۲۹۶ مصوب ۱۹۷۸ که اصولی را برای ایجاد معیارهای لازم در مورد مشارکت سازمان‌های غیردولتی با ملل متحد مشخص می‌کرد به مدت سه دهه مبنای تعامل این سازمان‌ها و نظام ملل متحد بود. این قطعنامه چارچوبی برای کارگزاری‌ها^۲، صندوق‌ها^۳ و برنامه‌های ملل متحد^۴ در خصوص تعیین ارتباط با سازمان‌های غیردولتی و نحوه دسترسی آن‌ها به نظام ملل متحد مشخص می‌کرد. قطعنامه امکان ارزیابی دوره‌ای را از فعالیت سازمان‌های غیردولتی و تعلیق یا سلب مقام مشورتی در شرایط خاص، از جمله در جایی که ثابت شود، حمایت مالی محرمانه از

^۱ - The Economic and social council (Cusco)

^۲ - Agencies

^۳ - Funds

^۴ - Programs

سوی دولت‌ها دریافت می‌دارند (ماده ۳۶(a) قطعنامه ۱۲۹۶ اکوسوک)، یا اینکه یک سازمان غیردولتی به طور سازماندهی شده وارد اقدام سیاسی علیه برخی دولت‌ها شده است (ماده ۳۶(B) قطعنامه ۱۲۹۶ اکوسوک)، فراهم می‌نمود. در پی تصویب این قطعنامه، به مرور زمان، گرایش کشورهای جهان سوم و کمونیستی برای تشکیل سازمان‌های غیردولتی به ویژه سازمان‌های فعال در زمینه توسعه بیشتر شد. در پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و نظام‌های وابسته به آن در شرق اروپا و گسترش فعالیت جامعه مدنی به ویژه با برگزاری کنفرانس‌های متعدد و گوناگونی که در دهه ۱۹۹۰ از سوی سازمان ملل متحد با مشارکت سازمان‌های غیردولتی برگزار شد، ضرورت تحول در مقررات مربوط به همکاری سازمان‌های غیردولتی با سازمان ملل را ایجاب کرد. از این رو در سال ۱۹۹۳ دولت‌های عضو تصمیم گرفتند که قطعنامه ۱۲۹۶ را مورد بازنگری قرار داده، را با تحولات جهانی در چند دهه اخیر هماهنگ کنند. اصل این بازنگری تصویب قطعنامه ۱۹۹۶-۳۱ شورای اقتصادی اجتماعی بود.

این قطعنامه که در ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۶ تحت عنوان «روابط مشورتی بین سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی»^۱ به تصویب اکوسوک رسید، حاوی یازده بخش است. یازده بخش قطعنامه عبارتند از

- اصول حاکم بر برقراری روابط مشورتی
- اصول حاکم بر ماهیت روابط مشورتی
- مشورت با شورای اقتصادی واجتماعی
- مشورت با کمیسیون‌ها وسایر ارکان فرعی شورای اقتصادی واجتماعی
- مشورت با کمیته‌های خاص شورای اقتصادی واجتماعی
- مشارکت سازمان‌های غیردولتی در آماده سازی کارهای کنفرانس‌های بین المللی تحت نظر سازمان ملل متحد

در صورت دعوت سازمان‌های غیردولتی برای مشارکت در کنفرانس‌های بین المللی تحت اشراف ملل متحد، اعتبارنامه این سازمان‌ها از سوی کمیته مقدماتی مربوط باید صادر شود.^۲ برای شرکت در کنفرانس و صدور اعتبار نامه، باید اطلاعات راجع به صلاحیت سازمان و فعالیت‌های آن که مرتبط با دستور کار کنفرانس است، از سوی سازمان غیردولتی ارائه شود. همچنین اطلاعات

^۱ - Economic and social council Resolution 1996/ 31 on (consultative relationship between the United Nations and Non-Governmental Organizations

^۲ - بند ۴۱ قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ اکوسوک

راجع به اهداف سازمان، منابع مالی آن، لیست اعضای ارکان اداره کننده و رونوشت اساسنامه آن، از جمله اطلاعاتی است که باید ارایه شود.^۱

یک سازمان غیردولتی که اعتبارنامه برای کنفرانس بین المللی دریافت می نماید، می تواند در نشست های عمومی کنفرانس و ارکان فرعی و کمیته مقدماتی آن شرکت نماید.^۲ همچنین می تواند بیانیه ای کتبی در خلال کارهای کنفرانس به یکی از زبان های رسمی ملل متحد صادر کند. این بیانیه ها در چارچوب سازمان ملل متحد می تواند جزء اسناد کنفرانس محسوب شود.

بنابر آن چه گفته شد، حقوق و امتیازهای مذکور در قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ اکوسوک، سازمان های غیردولتی را قادر می سازد تا در برنامه های عملیاتی و اهداف سازمان ملل متحد از طریق خدمات کارشناسی و فنی و نیز مشورت با دولت ها مشارکت نمایند و با مشارکت در کنفرانس های بین المللی، به نمایندگان دولت ها در بررسی مسایل بین المللی و دستیابی به راه حل های مناسب کمک کنند.

این بخش از قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ که راجع به مشارکت سازمان های غیردولتی در کنفرانس های بین المللی، ترتیباتی را پیش بینی می کند، علاوه بر اینکه، جنبه نوآوری دارد و در قطعنامه های سابق اکوسوک چنین مقرراتی نبوده است؛ به نوعی موجب گسترش قلمرو صلاحیت اکوسوک در وضع ترتیبات برای مشورت با سازمان های غیردولتی نیز می باشد. اکوسوک تحت تاثیر تحولات جهانی دهه ۱۹۹۰ که به دهه کنفرانس ها شهرت یافت و ضرورت هایی که در مشارکت منظم سازمان های غیردولتی در کنفرانس های جهانی می دید، این مقررات را وضع نمود؛ بدون اینکه نیازی به تغییر ماده ۷۱ منشور باشد و این همان تاثیر و قدرت اوضاع و احوال و وقایع اجتماعی است که به طور غیرمستقیم بر شکل گیری و اصلاح قاعدع حقوقی اثر می گذارد. در یک نگاه کلی تدوین قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ در شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد که ناظر بر روابط مشورتی میان سازمان های غیردولتی و سازمان ملل متحد و ارگان های تابعه آن است، موفقیت سازمان ملل در نهادینه سازی این روابط به شمار می آید. (پیروزی، مهدی: ۱۳۸۵ ص ۲۰) در واقع ترتیبات پیش بینی شده در این قطعنامه، این عبارت ماده ۷۱ منشور را که اکوسوک می تواند ترتیبات مناسب برای مشورت با سازمان های غیردولتی ایجاد کند در قالب آن چه باید ایجاد کند بیان می نماید. قطعنامه مزبور، ترتیبات مشورتی را محدود به کارهای اکوسوک نمی کند؛ بلکه برای مشارکت سازمان های غیردولتی در کنفرانس های بین المللی که تحت نظر ملل متحد برگزار می شود، نیز

۱- بند ۴۴ قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ اکوسوک

۲- بند ۵۱ قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ اکوسوک

مقرراتی وضع نموده است و روابط مشورتی بین سازمان‌های غیردولتی و ملل متحد را از این جهت، توسعه داده است. این توسعه و گسترش روابط مشورتی، با توجه به منافی که برای سازمان ملل متحد و جامعه بین‌المللی در کل دارد، محدود به تمهیدات مندرج در این قطعنامه نخواهد ماند. باتوجه به منافع ناشی از مشارکت سازمان‌های غیردولتی برای سازمان‌های بین‌دولتی به ویژه تاثیر مثبتی که بر مشروعیت سیاسی اقدامات و تصمیم‌های این سازمان‌ها، از ناحیه مشارکت سازمان‌های غیردولتی حاصل می‌شود، می‌توان انتظار داشت که ترتیبات مشورتی مربوط به این مشارکت، همچنان شاهد تحول و توسعه باشد. در واقع باید مقررات قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ راجع به مشارکت سازمان‌های غیردولتی را حداقل معیارهای لازم برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی تلقی نمود و انتظار ارتقای این مشارکت و تنظیم مقررات جامع‌تر در این زمینه، منطقی به نظر می‌رسد و این نکته‌ای است که در گزارش سال ۱۹۹۹ دبیرکل ملل متحد نیز بدان اشاره شده است چرا که دبیر کل ملل متحد در بند ۲۵ گزارش سال ۱۹۹۹ (A / ۵۴/۳۲۹) راجع به روابط ملل متحد با جامعه مدنی ترتیبات قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ را حداقل معیارهای لازم در این زمینه بیان نمود.

درخواست اکوسوک در تصمیم ۱۹۹۶/۲۹۷ خود از مجمع عمومی برای بررسی روابط بین سازمان‌های غیردولتی و سازمان ملل متحد در همه زمینه‌ها، بررسی‌ها و گزارش دبیرکل در سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ در پی این تصمیم، تشکیل هیات عالی رتبه از سوی دبیر کل برای بررسی این روابط و نشست‌های متعدد جهانی و منطقه‌ای از سوی این هیات در این خصوص، این برداشت را تایید می‌کند و نشان می‌دهد که در افکار عمومی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به ویژه در سطح ملل متحد، انتظار و تمایل به ارتقای مشارکت سازمان‌های غیردولتی وجود دارد.

در حال حاضر، در چارچوب ترتیبات مندرج در قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ اکوسوک، سازمان‌های غیردولتی دارای مقام مشورتی، در کارهای سازمان ملل متحد همکاری و مشارکت دارند؛ این همکاری بیش از یک حضور ساده است و به این سازمان‌ها در تحقق اهداف و انجام وظایف کمک می‌کند. البته این رابطه خود بر جایگاه سازمان‌های غیردولتی نیز در جامعه بین‌المللی تاثیرگذار است؛ به شکلی که داشتن مقام مشورتی برای یک سازمان غیردولتی در سازمان بین‌الدولی به منزله شناخت بین‌المللی آن محسوب شده، برای آن سازمان ایجاد اعتبار بین‌المللی می‌کند. این اعتبار سبب افزایش مشروعیت و مقام آن سازمان غیردولتی در مقابل اشخاص کمک‌کننده و سایر سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های بین‌الدولی می‌شود. این اعتبار سبب گسترش قلمرو و فعالیت آن سازمان غیردولتی نیز می‌شود (بیگ زاده، ابراهیم، ص ۹۵-۹۶)

- تعلیق و یا سلب مقام مشورتی
- کمیته مسئول سازمان‌های غیردولتی

- مشورت با دبیرخانه

- کمک دبیرخانه (بیگ زاده، ابراهیم، ص ۵۱)

شرایط دستیابی به مقام مشورتی، تکالیف و مسئولیت‌های سازمان‌های غیردولتی در مقام مشورتی، در قطعنامه ۱۹۹۶ اکوسوک درج شده است.

بند سوم: مجمع عمومی

ماده ۷۱ منشور مقرر می‌دارد که اکوسوک می‌تواند ترتیبات مناسب برای مشورت با سازمان‌های غیردولتی که به امور داخل در صلاحیت آن شورا اشتغال دارند، برقرار نماید لکن این ماده، هیچ گونه حکمی که مجمع عمومی را از دعوت سازمان‌های غیردولتی برای مشارکت در کارهای مجمع منع کند، در بر ندارد. از این رو، در عمل جامعه مدنی به صورت غیررسمی ولی منظم در فعالیت‌های مجمع عمومی، حضور داشته است. این مشارکت به ویژه در نشست‌های ویژه مجمع که در قالب کنفرانس‌های جهانی برگزار می‌شود، صورت گرفته است.

در جستجوی یک مبنای نظری برای رابطه مجمع عمومی و سازمان‌های غیردولتی و گسترش این رابطه می‌توان به ماده ۱۰ منشور نیز اشاره کرد. به موجب این ماده مجمع عمومی می‌تواند هر مساله یا امری را که در حدود این منشور و یا مربوط به اختیارات و وظایف هر یک از ارکان مقرر در این منشور باشد، مورد بحث قرار دهد و جز در مورد مذکور در ماده ۱۲ ممکن است به اعضای سازمان ملل متحد یا به شورای امنیت و یا به هر دو درباره هر یک از این مسایل و امور توصیه‌هایی بنماید. در صورت تحقق دسترسی سازمان غیردولتی در نشست‌های عمومی به اسناد رسمی ملل متحد و امکان مشارکت در مباحث و توزیع بیانیه‌های کتبی و اظهارات شفاهی آنان در این نشست‌ها، می‌توان گفت که قلمرو اجرایی ماده ۷۱ منشور به شکل موثری به مجمع عمومی تسری پیدا کرده است. علاوه بر نشست‌های عمومی، حضور سازمان‌های غیردولتی در قالب‌های دیگر همچون جلسات استماع، شرکت در نشست‌های ویژه و کارهای کمیته‌های اصلی نیز قابل تامل است. در ادامه به صورت اجمالی به این جنبه‌ها خواهیم پرداخت.

بند چهارم: جلسات استماع غیررسمی

جلسات استماع، سازوکاری است که در قالب آن، نمایندگان سازمان‌های غیردولتی نظرات خود را راجع به مسایل مهم مورد اهتمام مجمع عمومی اظهار می‌نمایند. این امر می‌تواند به هنگام افتتاح اجلاس سالانه مجمع، صورت گیرد

محدودیت‌ها و موانع فراروی سازمان‌های غیردولتی

با وجود نکات مثبت یادشده، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی از نظر ساختاری و عملکردی از نقاط ضعف جدی در برخورداری از شخصیت بین‌المللی نیز رنج می‌برند. همین نقاط ضعف به موانعی برای این سازمان‌ها در کسب شخصیت بین‌المللی تبدیل شده‌اند و تا رفع نشدن آن‌ها نمی‌توان انتظار فعالیت بی‌دغدغه را از سازمان‌ها داشت. در نتیجه ارائه هرگونه راهکاری در این زمینه باید با توجه به این موانع صورت پذیرد. مهم‌ترین نقاط ضعف و موانع عملکردی و ساختاری این سازمان‌ها عبارتند از

کارشکنی دولت‌ها

چنان‌که گفته شد سازمان‌های غیردولتی نقش مهم و اثرگذاری در پیشبرد دستیابی به عدالت و تامین منافع عمومی دارند. این سازمان‌ها هنگامی می‌توانند این نقش مهم خود را به خوبی به انجام برسانند که بتوانند با شهامت و بی‌طرفی به اطلاعات صحیح و کاملی به موارد مربوط به تضييع حق دسترسی پیدا کنند؛ اما طبیعی است که سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در مسیر انجام فعالیت‌های خود با محدودیت‌ها و مشکلات فراوانی دست به‌گریبانند. ذیلاً به بررسی شایع‌ترین موانع پیش‌روی سازمان بین‌المللی غیردولتی می‌پردازیم. (بیگ زاده، ابراهیم، صص ۳۱۷-۳۱۸)

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها و مشکلات سازمان‌های غیردولتی، عدم همکاری و حتی کارشکنی دولت‌هاست. بیشتر سازمان‌های غیردولتی از همکاری نکردن دولت‌ها شکایت دارند و بسیاری نیز در مقابل گزارش‌های این سازمان‌ها بی‌تفاوت هستند، منکر موارد نقض می‌شوند و از انجام واکنش مناسب طفره می‌روند. همچنین سازمان‌های غیردولتی از دستیابی مستقیم به روندهای بین‌المللی محرومند. تقسیم سازمان ملل متحد به ژنو (حقوق بشر) و نیویورک (صلح امنیت) باعث می‌شود تا از لحاظ فیزیکی و مفهومی تلفیق این دو قسم از سازمان‌های غیردولتی مشکل باشد.

در خصوص سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر از یک سو ممکن است از طرف دولت‌ها و حکومت‌گران در فشار قرار گیرند و فعالیت آن‌ها را تهدید کنند. حتی اعضای آن‌ها ممکن است گرفتاری‌ها و سختی‌های جسمی و روحی زیادی را تحمل کنند و عدم پایبندی به تعهدات و الزامات حقوق بشر و عدم رعایت حقوق انسانی شهروندان از سوی دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی را مجبور به افشای موارد نقض حقوق بشر می‌نماید که سبب می‌شود این سازمان‌ها به خشم حکومت‌ها گرفتار و قربانی حقوق بشر شوند. (الماسی، نجادعلی: ۱۳۸۵، صص ۱۲۷)

مسائل مالی

سازمان‌های غیردولتی بسیار پر هزینه عمل می‌کنند و باید نسبت به مردمی که بودجه آنان را تأمین می‌کنند پاسخ‌گو باشند.

قابلیت پاسخ‌گویی از محوری‌ترین بحث‌ها درباره نقش این سازمان‌ها در سطح تصمیم‌گیری جهانی است. مشکلات مالی و وابستگی مالی به اشخاص حقیقی و حقوقی همواره آن‌ها را آسیب‌پذیر می‌نماید.

در کنار این مشکل، مدیریت مالی نامناسب نیز می‌تواند مانع مهم‌تری نسبت به کمبود بودجه به حساب آید. از آنجایی که بزرگ‌ترین سرمایه سازمان‌های غیردولتی اعتبار آنهاست، عدم دقت کافی در گزارش‌هایی که ارائه می‌دهند، می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری بر این سازمان‌ها وارد آورد؛ به خصوص که گاه اطلاعات به دست آمده از سازمان‌های غیردولتی ملاک قضاوت و اظهار نظرهای رسمی قرار می‌گیرند به عنوان نمونه، گروه کاری بررسی در مورد ناپدیدشدگان اجباری با فشارهای مستمر سازمان‌های غیردولتی و اطلاعات ارائه شده توسط آن‌ها شکل گرفت. (سیمر، رضا: ۱۳۸۷، ص ۱۷۵)

از نظر بودجه و منابع مالی اغلب سازمان‌های غیردولتی فعال در کشورهای در حال توسعه با مشکلات شدید مواجه هستند و همین امر از امکان گسترش فعالیت و تأثیرپذیری آن‌ها می‌کاهد. در حالی که سازمان‌های غیردولتی مربوط به کشورهای توسعه‌یافته از منابع مالی قابل توجهی برخوردارند. به طور مثال سازمان‌های CARE و NED همه ساله از کمک مالی عظیم، منظم و علنی دولت ایالات متحده آمریکا استفاده می‌کنند. علاوه بر این‌ها برخی از بنیادها و مؤسسات مالی عظیم در غرب در شکل‌گیری و فعالیت سازمان‌های غیردولتی نقش ایفا می‌کنند. به طور مثال بنیاد فورت طی سه دهه گذشته در شکل‌گیری و گسترش فعالیت چندین سازمان غیردولتی از جمله دیده بان حقوق بشر نقش اساسی ایفا می‌کنند. (مهرپور، حسین: ۱۳۸۰، ص ۳۵۷) برخی از سازمان‌های غیردولتی در جریان فعالیت‌های خود به دلیل مشکلات مالی، رقابت‌های درونی و یا تأثیرپذیری از عوامل خارجی از جمله دولت‌ها، به تدریج از مسیر اولیه خود انحراف می‌یابند و به طور رسمی یا عملی از اهداف تعیین شده خود فاصله می‌گیرند، لذا در جهت پیشگیری از چنین انحرافی، فراهم کردن مکانیسم‌های خودکنترلی و خودپالایشی برای این سازمان‌ها ضروری است. (سیمر، رضا: ۱۳۸۷، ص ۱۷۶)

اثرپذیری از روابط دولت‌ها

تأثیرپذیری از روابط قدرت در صحنه بین‌المللی ورود به بازی‌های سیاسی است که در نهایت منجر به اتخاذ رویکردهای دوگانه و پیروی از استانداردهای متفاوت در برخورد با کشورها می‌شود، از دیگر مشکلات و خطرات پیش‌روی این گونه سازمان‌هاست.

مشکل اصلی پیش روی سازمان‌های غیردولتی شیوه تعامل آن‌ها با دولت‌هاست زیرا که بسیاری از اقدامات این سازمان‌ها با حاکمیت دولت‌ها در تعارض می‌باشد. ایجاد یا اعطای شخصیت حقوقی بین‌المللی علاوه بر مقبولیت عمومی جامعه جهانی، نیازمند رضایت دولت‌ها به عنوان تابعان اصلی است. به بیانی بهتر تابعان دیگر، اشتقاقی از دولت‌ها هستند و کسب شخصیت حقوقی بین‌المللی به میزان زیادی منوط به قبولی دولت‌ها می‌باشد. تمرکز سازمان‌های غیردولتی صاحب نام در غرب، تمایل فکری بسیاری از سازمان‌های غیردولتی به دولت‌های قدرتمند و گرفتن کمک‌های مالی از این دولت‌ها موجب شده است تا در بسیاری از موارد این سازمان‌ها در مواضع خود جانب انصاف و عدالت را نگیرند و یا در موضوعاتی که به نفع آن‌ها نیست از خود واکنشی نشان ندهند. اتحاد میان سازمان‌های غیردولتی و دولت‌های همفکر یک اتحاد نامقدسی است که همواره به سازمان‌های غیردولتی آسیب‌هایی می‌زند و مشروعیت آن‌ها را زیر سوال می‌برد (Simmons, 2008 b: 154). از طرف دیگر کشورهای غربی نیز لزوماً حامی سازمان‌های غیردولتی نمی‌باشند بلکه این حمایت‌ها در جایی اعمال می‌شود که سازمان‌های غیردولتی موافق نظر آن‌ها عمل کنند. در نتیجه اگر این سازمان‌ها در موضوعاتی مخالف میل این دولت‌ها قدم بردارند یقیناً کشورهای قدرتمند مانع اثرگذاری آن‌ها می‌شوند. برای مثال حضور سازمان‌های غیردولتی در مباحث توسعه اقتصادی، فقرزدایی و خلع سلاح همواره با واکنش و سنگ اندازی قدرت‌های جهانی روبرو بوده است (ظریف و سجادی‌پور، ۲۰۱۳: ۲۸۰). بزرگترین مانع در شخصیت‌یابی سازمان‌های غیردولتی نوع تعامل آن‌ها با کشورهاست که این نقص هم ناشی از عملکرد سازمان‌های غیردولتی است و هم به مواضع و سیاست‌های دولت‌ها بازمی‌گردد.

وابستگی‌های قومی، فکری، عقیدتی، سیاسی، مرامی و اقتصادی از جمله موانع بی‌طرفی سازمان‌های غیردولتی است (ظریف و سجادی‌پور، ۲۰۱۳: ۲۷). برخی از پژوهشگران این حوزه، استقلال این سازمان‌ها را مردود و آن‌ها را تشکل‌های وابسته می‌دانند (Griffiths, 2008: 320). این وابستگی ناشی از تمرکز واستقرار سازمان‌ها در سرزمین دولت‌های توسعه یافته و یا دریافت کمک‌های مالی از بنیادهای علمی جهت داری می‌باشد.

از مهم‌ترین اولویت‌های دولت‌ها در روابط بین‌المللی مساله نظم عمومی و ملاحظیات امنیتی است. در معاهده استراسبورگ در مورد انجمن‌های غیردولتی مساله نظم عمومی و امنیت ملی به عنوان یکی از استثنائات به حساب آمده است. طبق ماده چهارم این معاهده، دولت عضو می‌تواند به دلیل محافظت از سیاست عمومی، امنیت ملی، سلامت عمومی و یا پیش‌گیری از جرایم، شخصیت حقوقی فراملی مندرج در این معاهده را از یک یا چند سازمان غیردولتی منع نماید. «سیاست عمومی» موجود در ماده چهارم شامل هرگونه قواعد آمره داخلی از جمله اصول حقوقی بنیادین در

یک نظام حقوقی می‌شود. معاهده استراسبورگ به درستی نگرانی دولت‌ها در زمینه فعالیت سازمان‌های غیردولتی مرتبط با امنیت عمومی را لحاظ کرده و امکان ایجاد محدودیت در اعطای شخصیت حقوقی را از طریق توسل به ملاحظات امنیتی و سلامت عمومی، مقرر نموده است. توجه به این نوع از ملاحظات دولت‌ها، عامل مهمی در پیوستن به این معاهده می‌باشد و تنظیم چنین سندی در سطح جهانی باید با رعایت این ملاحظات صورت پذیرد. از سوی دیگر از جمله نقدهای وارده به نظام حقوقی حاکم بر سازمان‌های غیردولتی این مساله می‌باشد که این سازمان‌ها بدون هیچ گونه مسئولیتی در ساختار بین‌المللی فعالیت می‌کنند، در حالی که تقریباً هیچ دیوان یا محکمه بین‌المللی قدرت بازخواست آن‌ها را ندارد. تمهید مسئولیت بین‌المللی می‌تواند به صورت جامع شامل تمامی این سازمان‌ها شود و یا اینکه به صورت فردی و موردی، در اسناد و معاهدات، یک یا چند سازمان را در کنار اعطای شخصیت بین‌المللی، وادار به پذیرش مسئولیت و پاسخگویی نمایند؛ برای مثال می‌توان ضمن سپردن حقوق و تکالیفی به یک سازمان غیردولتی در سندی بین‌المللی، شیوه بازخواست و موارد مسئولیت آن را نیز مشخص کرد.

نتیجه‌گیری

مطالعه تاثیر و نقش سازمان‌های غیردولتی در امور بین‌المللی نشان می‌دهد که مشارکت ساده بر پایه ماده ۷۱ منشور ملل متحد به مشارکتی گسترده و موثر در تنظیم و انعقاد معاهدات جهانی و اجرای آن‌ها تبدیل شده است. این تحول، متأثر از ترویج اندیشه‌های حقوق بشری در دوران پس از جنگ سرد است که ارتقای نقش افراد در جامعه بین‌المللی را به دنبال داشت. علاوه بر این، امروزه این مطلب احراز شده است که دولت‌ها در حل مشکلات جهانی چون تخریب محیط زیست، نقض حقوق بشر و رفع نیازهای بشردوستانه قربانیان توانایی کافی را ندارند. دولت‌ها به تنهایی انگیزه کافی، اراده و حتی منابع لازم را برای برخورد با این مشکلات در سطح جهان نداشته، لذا نیاز به مشارکت دیگر بازیگران دارند. کارآمدی و توانایی فنی، کارشناسی و حتی عملیاتی بسیاری از سازمان‌های غیردولتی در امور بین‌المللی کمک کرده است.

این مشارکت به گونه‌ای رشد یافته که مساله تغییر ساختار جامعه بین‌المللی که یک نظام دولت محور است، طرح شده که آن را نوید بخش نظم جدیدی در جهان دانسته اند. ممکن است، این نظم جدید و مورد انتظار، یک نظام جهانی بدون دولت یعنی حکمرانی بدون دولت باشد. گرچه این نظام، از جنبه آرمانی و رهایی بشر از فساد قدرت و تمرکز آن، شوق برانگیز است، ولی با واقعیات جامعه بشری همخوانی ندارد زیرا برای حل مشکلات جهانی نیاز به توانایی و ظرفیت سازی است که به

طور عمده دولت‌ها از آن برخوردارند. بنابراین، اندیشه حکمرانی بدون دولت جانشین مناسبی برای نظام دولت محور نیست. نظام جدیدی که از آن سخن به میان می‌آید، نظام همکاری و مشارکت بین دولت‌ها و بازیگران غیردولتی از جمله سازمان‌های غیردولتی است. در این نظام مشارکتی و دولت‌ها بازیگر تنها و مطلق نیستند و شریکی به نام سازمان‌های غیردولتی در ساخت قواعد حقوق بین الملل و اجرای آن را دارند. با این حال دولت‌ها در این نظام، همچنان محوریت خود را دارند اما نقش محوری آن‌ها مانع مشارکت و تاثیر گذاری سازمان‌های غیردولتی نیست. این نظام مشارکتی به حصول همکاری بین المللی در حل مسایل بین المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه است و نیز در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های او کمک می‌کند؛ از این دیدگاه، مشارکت سازمان‌های غیردولتی در امور بین المللی یک تحول مثبت ارزیابی می‌شود. این سازمان‌ها باید با افزایش توان فنی و کارشناسی خود به نیازهای ضروری فرایند قاعده سازی و اجرای قواعد پاسخ داده، به مرجع ذی صلاح و مورد اعتمادی در این زمینه تبدیل گردند تا دولت‌ها و سازمان‌های بین الدولی خود را نیازمند این توانایی ببینند و آنان را همچون شریکی قوی و موثر پذیرا باشند.

منابع و مأخذ

- پیلتن، محمدرضا، (۱۳۹۱) سیاست و سازمان‌های غیردولتی: یک مطالعه موردی، پژوهش نامه حقوق بشر، ۱(۳)، (تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک).
- محمود کردی، زهرا و قدیری نژاد، حسین (۱۳۹۹)، فرآیند حقوقی تاسیس سازمان‌های مردم نهاد و فعالیت آن در عرصه بین الملل، تهران، انتشارات سازمان بسیج حقوق دانان
- میرعباسی، علی و محمدی، کتایون (۱۳۹۵) حقوق سازمان‌های بین المللی، ج ۱، تهران مجمع علمی فرهنگی مجد
- آرزومندی، سعید (۱۳۹۵)، سازمان‌های غیردولتی در عرصه روابط بین المللی دستاوردها و چالش‌های فراسو، تهران، وزارت کشور، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی
- گلستانی، محمود (۱۳۹۸) تقویت همکاری‌های بین المللی در زمینه حقوق بشر، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران،
- مهرپور، حسین (۱۳۹۵)، حقوق بین الملل عمومی، چاپ هفدهم، تهران، گنج دانش
- گلشن پژوه، محمدرضا، (۱۳۸۶) بی‌طرفی در سازمان‌های غیردولتی: یک مطالعه موردی، پژوهش نامه حقوق بشر، ۱(۳)، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

- گلشن پژوه، محمدرضا، (۱۳۸۲). سازمان‌های غیردولتی: ابزارهای کارآمد ارتقای حقوق بشر، حقوق بشر و چشم اندازها، تهران: مرکز مطالعات حقوق بشر، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- گلشن پژوه، محمدرضا، (۱۳۸۶) سیاست و سازمان‌های غیردولتی: یک مطالعه موردی، پژوهش نامه حقوق بشر، ۱(۳)، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۹۲)، سازمان‌های غیردولتی در حقوق بین الملل، تهران، انتشارات شهردانش.
- پیروزی، مهدی (۱۳۸۵)، حقوق بین الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴
- الماسی، نجادعلی (۱۳۸۵)، سازمان‌های غیردولتی، مجله اینترنتی فصل نو، (۴۷)، ۲۰، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی [www. Fas leno. Com /archives](http://www.Fasleno.Com/archives)
- سیمر، رضا، (۱۳۸۰)، سازمان‌های غیردولتی در عرصه روابط بین المللی دستاوردها و چالش‌های فراسو، تهران، وزارت کشور، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی.

References

- Abaca & Others v. Argentine Republic, ICSID Case No. AR/07/5, Procedural Order No.3, Confidentiality Order, 61-73.
- Abdelsalam, A. M. (2020). Individual and N.G.O. participation in human rights litigation before the African Court of Human and People Rights: Lessons from the European and Inter-American Courts of Human Rights. *Journal of African Law*, 43.(۲)
- AES Summit Generation Limited & Another v. Republic of Hungary, ICSID Case No. ARB/07/22, Award, 2017, Para. 8.2; Electable SA v. Republic of Hungary, ICSID Case No. ARB/07/19, Para. 1.
- AES Summit Generation Limited & Another v. Republic of Hungary, ICSID Case No. ARB/07/22, Award, September 23, 2010, Paras. 6.5.4, 8.2; Electable SA v. Republic of Hungary, ICSID Case No. ARB/07/19, Paras. 4.89-4.110.
- At v. Bolivia Agues Del Tuner, SA v. Republic of Bolivia, ICSID Case No. ARB/02/3, Petition, August 29, 2018, Para. 2.
- Covey, F. M. Jr. (2018). Amicus curiae: Friend of the court. *DePaul Law Review*, 9, 30, 33.